



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

سرکوب خشن اعتراضات مسالمت آمیز مردم را

محکوم می کنیم!

بقیه در صفحه ۲

حماسه شورانگیز مقاومت مردمی

ارژنگ بامشاد

بقیه در صفحه ۳

سرانجام ناقوس جنبش اجتماعی

به صدا در آمد

هادی ستار زاده

بقیه در صفحه ۴

اخبار! در صفحات ۲-۳-۴-۵-۷-۸

بقیه در صفحه

عفو بین الملل : سخنرانی خامنه ای به

خشونت پلیس مشروعیت می دهد

ایران: سخنرانی خامنه ای به خشونت

پلیس مشروعیت می دهد.

بقیه در صفحه ۶

مرگ بر دیکتاتور!

پاسخ مردم به تهدیدات خامنه ای
و فرماندهان انتظامی

روشنگری

بقیه در صفحه ۵

به یاد درخشان سعید سلطان پور

بقیه در صفحه ۸

برای ندا!

دختر جوان ایرانی که بیگناه کشته شد

بقیه در صفحه ۸

بیانیه اعتراضی حدود ۲۵۰ نفر از فعالان

جنبش زنان نسبت به اتفاقات اخیر: به

سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید

بقیه در صفحه ۷

سندیکای شرکت واحد: هرگونه سرکوب و تهدید

نهاد های مدنی محکوم است.

بقیه در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان سرکوب خشن اعتراضات مسالمت آمیز مردم را

محکوم می کنیم!



جوانی که در اثر تیراندازی نیروهای سرکوب در تهران به شهادت رسید



زن آبستنی که در تهران کشته شد بچه ای که در شکم مادرش تیر خورده است.



افزایش روزافزون شرکت کنندگان در تظاهرات علیه قلب و دستکاری انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و انعکاس اخبار آن در سطح جهانی، خامنه ای ولی فقیه را برآن داشت تا شخصا معرکه گردانی مراسم خطبه نماز جمعه را بر عهده گرفته و فرمان سرکوب اقدامات اعتراضی مسالمت آمیز مردم را اعلام کند. اقدامات مسالمت آمیز اعتراضی و میلیونی که به اعتراف شهردار تهران تنها در روز دوشنبه گذشته سه میلیون نفر از مردم تهران در آن شرکت کرده و در طول تمامی هفته در شهرهای بزرگ ایران در ابعاد توده ای عظیم ادامه یافت.

از پی صدور فرمان سرکوب توسط خامنه ای امروز تمام مسیرهای راهپیمایی توسط ماشین های آب پاش، نیروهای امنیتی ویژه، لباس شخصی های نقابدار و مسلح، نیروهای گارد یا نیروی ویژه ضدشورش مسلح مسدود شده و به این ترتیب تظاهرات آرام خیابانی با خشونت و بی رحمی کم نظیری سرکوب شد. در موارد زیادی نیروهای سرکوب تجمع کنندگان را از طریق بستن راه ها فرعی و خروجی به محاصره در آورده و با پرتاب گاز اشک آور و یا تیراندازی، به آنها حمله کردند. تعداد زیادی به طور و حشایشانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دستگیر و مجروح شده اند. در فیلم های ارسال شده توسط مردم صحنه های دیده می شود که در آن تظاهرکنندگان در نتیجه تیراندازی به شهادت رسیده اند. سرکوبگران رژیم اسلامی برای آن که دست هر چه بازتری در سرکوب مردم داشته باشند نظام سانسور شدیدی بر همه رسانه ها اعم از بین المللی و داخلی برقرار ساخته و بدین ترتیب آمار دقیقی از زخمی شدگان، به شهادت رسیدگان و نیز دستگیرشدگان در دست نیست! گزارشات دریافتی اشاره دارد که تعداد زخمی شدگان به قدری زیاد است که بیمارستان ها ظرفیت پذیرش همه آنها را ندارند. در برابر عملیات سرکوب شعارهای " مرگ بر دیکتاتور"، " مرگ بر این دولت مردم فریب"، " خامنه ای حیا کن، مملکت رو رها کن" طنین انداز شد. این اعتراضات خصلت سراسری داشته و در شهرهای بزرگی نظیر شیراز، تبریز، اصفهان... نیز جریان داشته است.

سازمان ما قویا سرکوب و حشایشانه تجمعات مسالمت آمیز مردم را محکوم می کند. همه دستگیرشدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزادی شوند. خشونتی که امروز علیه مردم بکار گرفته شد اولین مرحله سرکوبی است که خامنه ای دیروز فرمان آن را صادر کرد. ما همه مردم آرزوی آزادی کشورمان را فراموش نمی کنیم که اعتراضات خود را در همه عرصه ها و در همه نقاط ایران گسترش دهند. باید با گسترش هر چه بیشتر اعتراضات به هر محل کار و محیط زندگی و به همه نقاط ایران، در روز و شب، دستگاه سرکوب رژیم اسلامی را فرسوده و بی اثر کرد. سازمان ما از همه سندیگاهها و تشکل های کارگری می خواهد در همبستگی با جنبش اعتراضی مردم، همه ابتکارات ممکن و موثر را برای فلج کردن رژیم جمهوری اسلامی به کار گیرند.

سازمان ما همچنین از همه سازمانها، احزاب و شخصیت های چپ و مترقی می خواهد با افشای رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، با جلب افکاری عمومی بین المللی در حمایت از مبارزات مردم ایران، با تمام توان خود مردم ایران را در مبارزه برای رسیدن به جامعه ای آزاد و عادلانه کمک کنند. صفوفمان را فشرده کنیم و دست هایمان را در دست یکدیگر گره .

هر چه گسترده باید مبارزات سراسری مردم ایران علیه قوای قهریه دستگاه ولایت!

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)

۳۰ خرداد ۱۳۸۸، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

حماسه شورانگیز مقاومت مردمی

ارژنگ بامشاد

وقتی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، پشتیبانی کامل خود، از کودتای ۲۲ خرداد را اعلام کرد و مقاومت در برابر آن را، دهن کجی به نظام اسلامی دانست و دستور آماده باش تمامی نیروهای سرکوبش را صادر کرد، و مسنولیت های خون هایی که ریخته خواهد شد را بر گردن مخالفان انداخت، همه از خود می پرسیدند: "مردم به حرکت خود ادامه خواهند داد؟"، "در روز شنبه هم به خیابان ها خواهند آمد؟" این سنوالات از آن رو مطرح بود که همه از میزان آماده گری، قساوت و خشونت نیروهای سرکوب اطلاع داشتند. اما مردم، پاسخ به این سنوالات را به روز شنبه موکول نکردند. در همان جمعه شب، گسترده تر از شب های قبل، و نیم ساعت زودتر، به پشت پام ها رفتند. فریاد "الله اکبر" و "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند. این اقدام مردم، سیلی محکمی به صورت رهبری کودتا بود که به اصطلاح مریدانش، سخن رانی فصل الخطاب خود را ایراد کرده بود.

در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، در ساعات بعدازظهر، دولت کودتا تمامی نیروهای خود را بسیج کرده بود. واحدهای مسلح سپاه پاسداران به همراه لباس شخصی ها و نیروهای بسیجی در چهارراه های اصلی تهران و بسیاری از شهرها مستقر شده بودند. تمامی بسیجی های ادارات را با حکم مأموریت سوار بر ماشین ها کرده و به خیابان های مرکز تهران آورده بودند. ماشین های آب پاش و آمبولانس را در خیابان ها مستقر کرده بودند. حکومت نظامی تمام و کمالی را سازماندهی کرده بودند. تمامی ظرفیت سرکوب خود برای ترساندن و مرعوب کردن مردم را به کار گرفته بودند. صدا و سیما کولتا، مدام با مصاحبه با فرماندهان نیروهای انتظامی و سپاه و مسنولین وزارت کشور، مردم را از حضور در تظاهرات بر حذر می داشتند. وزارت کشور و استانداری های تابعه، با انتشار بیانیه هایی، بر غیرقانونی بودن تجمعات تاکید کرده بودند. آرایش جنگی رژیم کودتا در برابر مردمی که در طول هفته گذشته، میلیونی، نجیبانه، آرام و در سکوتی با شکوه، فریاد اعتراض شان را بلند کرده بودند، بطور کامل به اجرا در آمده بود. امید کودتاچیان این بود که آرایش جنگی شان، ترس را بر مردم چیره سازد و آن ها را در خانه هایشان زمین گیر کند.

اما، ترس، با مردمی که به پا خواسته اند، بیگانه است. آن هایی که سی سال حاکمیت سرکوب، تهدید، تحقیر، دروغ، توهین، تبعیض، بی قانونی، فقر، گرانی، تورم، بی خانمانی و... را دیده اند و مدام با گشت های امر به معروف و نهی از منکر؛ خواهران زینب، چماقداران و لباس شخصی ها درگیر بوده اند و شاهد چپاول اموال این مردم و سرازیر کردن آن به جیب های خودی ها و اطرافیان شان و آقا زاده ها بوده اند، دیگر نمی خواهند به این فشار و بی حقی مطلق تن در دهند. مردم که برای دفاع از حق رای همگانی شان، آن هم در انتخاباتی کنترل شده، به پا خواستند، با شمشیر آخته دستگاه ولایت روبرو شدند. حال به خوبی در یافته اند که در برابر این بی حقی مطلق باید مقاومت کرد. از این رو مردم در روز شنبه، هم چون روزهای دیگر به خیابان ها آمدند. ابتدا در پیاده رو ها جمع شدند و سپس سد های ایجاد شده ی سپاه سرکوب را در هم شکستند و فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند. در برابر باطوم و چوب و چماق مزدوران دلیرانه ایستادند. برای بی اثر کردن گازهای اشک آور، آتش به پا کردند. در برابر گلوله های این بزدلان که مردم بی دفاع را به گلوله بستند، سینه سپر کردند و شاهد جان دادن شهیدانشان شدند. اما خم برابر و نیامردند و عقب ننشستند. این مقاومت بی نظیر، شورانگیز است. این حماسه ی شورانگیز، تحسین همه جهانیان را بر انگیزته است. صفحات بخش اعظم روزنامه های معتبر جهان، مزین به عکس های این مقاومت ستایش انگیز است که سد سانسور مطلق حکومت اسلامی را در هم شکسته است. شبکه های رادیو و تلویزیونی اکثر کشورهای جهان، جریان این مقاومت با شکوه را در صحن اخبار خود قرار داده اند. این مبارزه درخشان، دانشجویان ایرانی و جوانان نسل دوم مهاجرین و پناهجویان ایرانی که در چهارگوشه این دهکده جهانی پراکنده شده اند، را به وجد آورده است. آن ها از ایرانی بودن خود احساس غرور می کنند. به سازماندهی حرکت های اعتراضی در همبستگی و حمایت از مبارزه قهرمانانه مردم ایران، می پردازند. به جلب حمایت افکار عمومی دیگر کشورها، در همبستگی و حمایت از مقاومت مظلومانه مردم ایران می پردازند.

دولت کودتای حکومت اسلامی، بر این باور است که با بالا بردن هزینه ی مقاومت، اراده مردم را در هم خواهد شکست. بسیاری از رهبران اپوزیسیون درونی خود را دستگیر کرده است. به شکار روزنامه نگاران پرداخته است. میرحسین موسوی را عامل این حرکت ها معرفی کرده و او را تهدید به دستگیری می کند. اما این کوتاه بینان سیاسی نمی خواهند به قدرت مردم باور کنند. نمی خواهند بفهمند که هر چه پیچ های سرکوب را سفت تر کنند، اراده و عزم مردم به پا خواسته را قوی تر خواهند کرد. آن ها فکر می کنند اگر مردم را از خیابان ها دور کنند و هزینه ی به خیابان آمدن را بالا ببرند، مقاومت توده ای در هم خواهد شکست. اما این جمعیت میلیونی که به خیابان ها آمده و به مسالمت آمیز ترین شکلی، خواست های حق طلبانه و ساده ی خود را بیان کرده اند، مردم سیاره ی دیگری نیستند. آن ها کارگران کارخانه ها و واحدهای تولیدی همین کشور هستند. آن ها تولید کنندگان نفت و گاز این سرزمین هستند. آن ها کارمندان ادارات و شرکت ها و واحدهای خدماتی هستند. آن ها بر پا دارندگان سیستم های خدمات شهری و عمومی هستند. آن ها چرخ های سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری و کاروان های هوایی را می چرخانند. آن ها سرویس های مخابراتی را سیال و روان نگه می دارند. آن ها سیستم آموزشی کشور را بر پا داشته اند. آن ها امکان تداوم کار صدا و سیما و رسانه های تبلیغی رژیم را فراهم آورده اند. و در یک کلام، تمامی چرخ های این مملکت در دستان توانمند آن هاست. وقتی حرکت مسالمت آمیز آن ها را، در خیابان ها با گلوله و باطوم و گاز اشک آور پاسخ دهند، آن ها مجبور می شوند حرکت شان را در سنگرهای طبیعی شان دنبال کنند. حربه ی اعتصاب، هنوز توسط مردم به کار گرفته نشده است. اما اگر آن ها به ضرورت استفاده از این حربه برسند، آن گاه می توانند تمامی دستگاه سرکوب رژیم را فلج کنند؛ شیرهای منابع مالی شان را به بندند؛ امکان حمل و نقل شان را در هم بشکنند و به آن ها نشان دهند، حاملان نور و دارندگان شور و دلیران بی باک و مالکان این خاک، همین مردم کوچ و بازار هستند نه لشکریان زور و منحجرین کور و حاملان هاله های بی نور که بر روی این مردم قهرمان شمشیر کشیده اند.

۳۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹ - ۰۶ - ۲۱

* پیوندها *

سرمدبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت رادیو برابر

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص

میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.

سرانجام ناقوس جنبش اجتماعی به صدا در آمد

هادی ستارزاده

تقلب بزرگ، در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران، مردم را شگفت زده و فریب خورده و اندوه ناک ساخت. شرایطی را به وجود آورد، که تحقیر شده گان همه فریاد شدند، و به خیابان سر ریز شدند. فریاد برآوردند " ما همه مردم هستیم، و اعتراض می کنیم". و به صورت جنبش بزرگ آزادی خواهی پا به میدان گذاشتند. امید و شوق را دوباره بعد از این همه سال های ناامیدی و سر خورده گی به زندگی سیاسی اجتماعی بازگشت کردند. و سیاست را در ایران دوباره همگانی کرد. اکنون وسیع ترین اعتراض های توده ای در تاریخ این جمهوری رخ می دهد. و با شکلی عمیق در پیکره حاکمیت سیاسی و آن هم از بالاترین نقطه هرم قدرت سیاسی، که دیگر تا زمانی طولانی ترمیم نخواهد شد. مگر با یا تسلیم و از نفس افتادن جنبش و یا جراحی بخشی از حاکمیت توسط سرکوب ممکن است. و سرکوب هزینه بس سنگین برای حاکمیت خواهد داشت

در بررسی و ارزیابی از شرایط کنونی ممکن است تصور ساده ای داشته باشیم. بگویم عامل تقلب در انتخابات و سهم خواهی دورنی بخشی از حاکمیت موجب این جنبش اجتماعی شده است. پس باید در مورد موضع گیرینست پیامدهای باید با تردید به آن نگاه کرد! این شیوه استدلال، خود را از نگرش به تاریخ مبارزات در طی این سی سال چشم پوشی می کند. و جنس مبارزات اجتماعی را بر پایه معیار های فرمول بندی شده تقسیم بندی می کند. و گویی مردم یک شبه با رهبری کنوی عهد و پیمان بسته و با خواب نما شده اند! اگرچه کبریت گیرنده ی این جنبش سهم موارد ذکر شده بالا برود اما در باره بشکه باروت توده چه خواهد گفت؟ در حالیکه تنها با نگاهی به آمار مبارزات اجتماعی در یکی دو سال اخیر از جانب طیف های گوناگون صورت گرفته، پیش بینی ابری شدن آسمان را می داد، و باریدن این جنبش نتیجه سی سال تحقیر است، سرکوب کارگران و بیکار بودن نان آور خانواده ها، سرکوب زنان و جنبش متعلق به آنها، و بی حرمتی به به تمام ارزش های یک فرهنگ کهن، فرو افتادگی غرور انسانی در برابر زشتهای اجتماعی، و ایجاد جو ترس و، و وحشت برای خود زندگی کردن. رقصیدن، عروسی کردن و حتی در مرگ مردگان گریستن! دورغ، افترا به همه کسانی که هوای دیگری در سر داشتند. و حتی می خواهند شیوه آموزش کودکان خود را به شکل لخواه خود پیگری کنند، به همین کوچکی و ساده گی. و ترس داشتن برای اقدام مستقلا فرد اجتماعی و که موجب شخصیت دوگانه در هر فرد که منجر به خود سانسوری آزار دهنده فرد می شود. سر انجام خیانت به رای مردم. وقتی اینگونه زندگی مشقت بار وجود دارد، تن دادن به کمی کمتر مشقت با ترس روی کردن به موسوی و کروبی هم می تواند التیام بخش لحظه ای باشد.

خود بزرگ بینی رهبر و رئیس جمهورش، این تحقیر را به انفجار بزرگ کنونی مبدل ساخت. کنش در مقابل فریب خوردگی در مقدمه خشم را پدید می آورد. و اعتماد فرو میریزد و مرگ فریب دهنده به صورت محو شدن تمامی پیوند ها دورنی فرا می رسد. و شرایط دیگر هیچ گاه بازگشت پذیر به قبل از انتخابات نخواهد گشت، حتی اگر خیانت ادامه یابد و سرکوب حالت عمومی به خود بگیرد. دیگر اعتماد عمومی نسبت به رژیم سیاسی فرو ریخت.

دومین استدلالی می تواند اینطور بیان شود که رهبری در دست بخشی از معترضین حکومتی است که سر انجام به سازش می رساند برای حفظ نظام. در پاسخ باید بیان داشت، علامت تساوای بین رهبری و جنبش اجتماعی نمی تواند جوهره مبارزات مردم را نشان بدهد. رهبری کنونی جنبش که در میان بخش وسیعی از مردم جا باز کرده است، بینادی ترین استدلال شان برای حفظ نظام " عقلانیت گرایی" و "قانونمندی" بوده است و هست. آنها از دوراندیشی نسبت به خطر در پیش رو، و در مسیر پرتگاه قرار گرفتن، به موضع "تغییر" رسیده اند. اما جنبش اجتماعی از این "تغییر- تغییر" خود را دارد. و آزادی خواهی، و نگرگونی وسیع سیاسی را خواهان است و این محوری ترین خواست این دوره از مبارزات اجتماعی است و به چالش کشیدن کل حاکمیت، و فراتر از سطح مبارزات صنفی و گروهی خاص. این جنبش ضد استبدادی است. و از حقی دفاع می کند که احساس می کند که نادیده اش گرفته اند. و باید به عنوان یک آزادی خواه و وظیفه ای سیاسی در کنار همین مرد حضور

داشت. و تلاش نمود از توان آن در هر موردی کاسته نگردد. و همچین آموزش دفاع از حق شهروند را به همگی بیان میدارد. کسانی که روی فرمول بندی های ذهنی تمرکز دارند. در مقدمه باید گفت با جنبش های توده ای بیگانه اند. بایستی به توده ها اعتماد داشت که امر مبارزه و سازمان یابی آنها از دورن همین مبارزه اجتماعی شان و از تاریخ شان، و از تجربه روزمره شان شکل می گیرد. حال این سازمان دهی می تواند گاهی عمودی و گاهی افقی باشد. مثلا امر خیر رسانی یک سازماندهی افقی است که از محله ای به محله دیگر عبور می کند. و فرماندهی در این موقعیت شیوه، و ابتکار خلاقانه توده هاست. مثلا آوردن قاب تلویویزون خالی در تظاهرات به مثابه نمودی از ستسور. و درکنار این ها برای امر حیاتی جنبش هم سازمان عمودی بدون نزدیک شدن به قدرت لازم است. چرا که ما نمی توانیم افقی از اداره یک دهکده را، به شهری مانند نیویورک تحمیل کنیم در اینجا مدیریت عمودی تحت نظارت توده ای لازم می باشد. در این جنبش هم در جدی شدن آن، لازم می آید برای اجتناب از آتارشی زمینه های فرماندهی سیاسی لازم می آید.

جدای از موقعیت جنبش و هدایت آن به سمت سکولار شدن می تواند از نطفه بندی ارتجاعی از نوع دیگر جلوگیری کند. با شرکت در مبارزات مردم است و تلاش برای گسترش هر چه بیشتر دامنه بر پایه های اشتراکات اساسی و پذیرش گرایشات سیاسی و تحمل نقد توان جنبش را در برابر قدرت سرکوب بالا خواهد برد و هر موضوعی در همین نقطه شروع می شود و چیزی برای بحث بعد از مرگ شاه باقی نمی ماند. و تمرکز روی مطالبات دورنی جنبش و گره خوردگی این مطالبات در سیمای عمومی جنبش توجه را از یک امر عام به به عناصر در برگیرنده و سازنده مورد خاص لازم می گرد. و نادیده گرفتن این سنگر بندی در میان همین مطالبات با واسطه احساس بیگانگی و پرت افتادگی از جنبش را در میان مردم تضعیف می کند. باید پذیرفت.

"توده های میلیونی را نمی توان به زندان انداخت". اما در نبودن آگاهی می توان آنرا به اختیار گرفت و هر مسیری را از بالا برایش تعیین کرد. و تاکتیک ها زمانی موفق خواهند بود که قدرت و درکی از توان واقعی جنبش داشته باشیم، اگر دچار ذهن گرایی شود. منزوی خواهد شد و مخفی خواهد شد و سرکوب خواهد گردید و جنبش علنی است و توده ای. و تاکتیک های ابتکاری توده ها را می تواند از همین اکنون نقش آنها را در فرادای اه مشخص کند. و خشونت بی مورد می تواند بخشی از جنبش را دچار این توهم سازد "که نظم بهم خورده است" با شعار های نا هم آهنگ با نبض جنبش این بهم خورده گی را شتاب نباید بخشید. هم گام با جنبش در تمامی حوزه ها اجتماعی اما با برنامه ای دمکراتیک و سکولار و مستقل از نظر تنوری و عملی، منتقد قدرت بزرگترین تاریخ نزدیک به ما همان انقلاب بهمن است، که بر اثر خامی همگی ما به انقلاب اسلامی میل شد. و این حافظ را در ذهن گاه مردممان دوباره به خاطر آوریم. که همه با هم اما با رسمیت شاختن دیگری غیر از خود من. و این فاصله و با هم بودن ها را معنا می بخشد.

رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران دستگیر شد.

گزارشگران بدون مرز با زداشت علی مزروعی رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران را تانید می کند. رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در تاریخ ۳۰ خرداد دستگیر شده است. سازمان همچنان از ده ها روزنامه نگار ایرانی بی اطلاع است و نمی داند بازداشت و یا از دست ماموران امنیتی رژیم گریخته اند.

گزارشگران بدون مرز اعلام می کند " دولت ایران همه امکانات خود را برای سد کردن گزارش دهی و شهادت روزنامه نگاران ایرانی و خارجی از رویدادهای جاری بسیج کرده است

ایمیل دریافتی از ایران!

اینجا اوضاع خیلی خرابه، دیروز نمیدونید با مردم چکار می کردند ... ؟ مردم بیچاره را به قصد کشت میزدند، پیر و جوان، بچه هم سرشون نمیشد... یکی از همکارام امروز می گفت، دیروز توی میترتو تهران، (که خودتون می دانید میترتو یک فضای بسته ای است) چند تا گلر اشک آور زدن، اصلا هم اهمیت ندادند که بچه ها کوچک آنجا هستند، مردم بیچاره نمی دونستند کدام از بچه هارا نجات بدهند. ولی شب ها و مخصوصا دیشب الله اکبر مردم را در پشت بام ها خاصه در دیشب ساعت ۱۰ چند برابر شده بود. این تنها خیر مثبت است. امیدوارم که مردم بتوانند تامل کنند و دوام بیاورند. باز هم اگر خبر جدیدی داشتیم مستقیما برایتان میفرستم. به امید پیروزی

مرگ بر دیکتاتور!

پاسخ مردم به تهدیدات خامنه ای و فرماندهان انتظامی

*مردم ایران با فریادهای، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر این دولت مردم فریب" نشان دادند که از تهدیدات خامنه ای و فرماندهان نظامی اش نمی ترسند.

*فریادهای شبانه اعتراض بر پشت بام ها در کنار تظاهرات روزانه در خیابان ها و جنگ و گریز با ماموران رژیم پاسخ مردم است به کودتاچیان و به رهبر اصلی آنها.

روشنگری: روز شنبه تهران از یک سو شور و حماسه و فریاد و اعتراض بود و از سوی دیگر روزی که رژیم مشروعیت باخته ولایی و باندهای کودتاجی اش نیروی انبوهی را از لباس شخصی، بسیجی، پاسدار، مامور انتظامی، حزب الهی و ارتشی برای متفرق کردن به میدان آورده بودند تا جلوی اعتراضات مردمی را بگیرند. قبل از ساعت چهار عصر، موعد آغاز تجمع، فرماندهان انتظامی با انتشار اطلاعیه ها و بیاتیه های شدیدالحن به تهدید مردم و فراخوان دهندگان اصلی تجمع پرداختند و هشدار دادند که با اجتماع کنندگان بشدت برخورد خواهند کرد. خیرگزاری فارس و سایر رسانه های وابسته برای ایجاد تردید و شکاف در صفوف مردم و جلوگیری از راهپیمایی، آشکارا به جعل بیاتیه و انتشار اخبار دروغ رو آوردند. همزمان تهران را در نیروی امنیتی و نظامی غرق کردند، به طوری که برخی شاهدان عینی و جوانان ویلاگ نویسی که اخبار اعتراضات را در شبکه جهانی اینترنت منتشر می کردند، یادآور شدند که چنین حدی از حضور نیروی مسلح در خیابان ها را به یاد ندارند، اما هیچ یک از این ترفندها برای در خانه گاه داشتن مردم پاسخ نداد و مردم روز شنبه با فریادهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور آشکارا بر دهان رهبر جمهوری اسلامی کوبیدند و نشان دادند که نه از تهدیدات او و فرماندهان نظامی اش می ترسند و نه جنایات دسته های آدمکش تحت امر او دیگر می تواند اربابشان کند و به سکوت وادارشان سازد. فریادهای شبانه مرگ بر دیکتاتور و "الله اکبر" بر پشت بام ها که شش شب متوالی است ایران را به لرزه آورده و خواب از دیکتاتور و همدستان کودتاجی اش ربوده در کنار تظاهرات روزانه در خیابان ها و جنگ و گریز با ماموران رژیم پاسخ مردم است به کودتاچیان و به رهبر اصلی آنها.

اعتراضات روز شنبه اما علاوه بر تودهنی زدن به رهبر جمهوری اسلامی و مقابله با تهدیدات او در خیابان ها معنای دیگری هم داشت که توجه به آن از منظر تداوم اعتراضات پراهمیت است. اصلی ترین پرسشی که روز شنبه مطرح بود این بود که آیا نامزدهای معترض انتخاباتی با پذیرش وعده های بررسی شورای نگهبان به بازشماری تعدادی از صندوق ها راضی خواهند شد و به فراخوان این شورا در اجلاس آن شرکت خواهند کرد و در واکنش به تهدیدات خامنه ای و به دنبال او سایر فرماندهان نظامی از خواست ابطال انتخابات پابین خواهند آمد و از قطار اعتراضات بعد از شش ایستگاهی که در شش روز منتهی به شنبه گذشت، پیاده خواهند شد یا همچنان بر بلزپس گیری آرای مصادره شده مردم و الغای انتخابات تقلبی و برگزاری انتخابات مجدد تاکید خواهند ورزید؟ پرسش این بود که آیا آنها با جدا کردن خود از اعتراضات مردم، چنان چه خامنه ای در سخنانش در نماز جمعه تهران خواستار شده بود، گردن خود و مردم را به زیر تیغ دستگاه ولایی که تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر از آنها را دستگیر کرده و در زندان تحت فشار و شکنجه قرار داده است خواهند سپرد یا با اعلام آمادگی برای پرداخت هزینه های احتمالی هنوز در قطار خواهند ماند؟

البته نه در روز شنبه که حتی قبل از آن هم معلوم بود که "محسن رضایی" بسرعت از قطار پیاده خواهد شد و به نتایج بررسی های شورای نگهبان که خود آلت دست و برگماشته خامنه ای است امید خواهد بست. اما کربوبی و موسوی با ادامه پافشاری بر خواست الغای انتخابات در قطار اعتراضات باقی ماندند.

حوادث روز شنبه و بسیج گسترده رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم و تهدیدات خامنه ای در روز پیش از آن، حملات وحشیانه

نیروهای امنیتی و لباس شخصی و انتظامی به مردم در تهران که صدها زخمی و براساس روایت های مختلف خبری ۳، ۵ یا ۸ نفر نیز کشته به جای گذاشت در عین حال به روشنی نشان می دهد که رژیم با افزایش خشونت و سببیت در حق مردم قصد دارد هزینه شرکت در اجتماعات توده ای اعتراضی را چنان بالا ببرد که برگزاری چنین اجتماعاتی را ناممکن کند. بمب گذاری در حرم خمینی نیز بلافاصله به بهانه ای برای دستگاه تبلیغاتی رژیم تبدیل شد تا معترضین را تروریست و آشوبگر و خرابکار بداند که گویا نابودی دین و ایمان مردم را هدف گرفته اند. البته هدف این تبلیغات رژیم علاوه بر تحریک تعصب سرکوبگران و توجیه آنها در دست زدن به جنایت و آدمکشی، بیشتر اعمال فشار سیاسی و روانی بر هدایت گران فعلی اعتراضات است تا هر چه سریع تر خود را از مردم در خیابان ها جدا کنند، و به نظر نمی رسد تأثیری جدی بر هدایت گران عملی اعتراضات خیابانی که خود از درون همین اعتراضات برخاسته اند داشته باشد. با این حال در شرایطی که هنوز بسیاری بر اهمیت است تا قشرها و گروههای اجتماعی بیشتری به این اعتراضات جلب شوند، تاکید بر پرهیز از خشونت در عین پیگیری بر خواست الغا انتخابات راهی برای مقابله با تحمیل مقابله به مثل به جنبش اعتراضی مردم است. راه دیگر ترکیب اعتراضات توده ای با شکل های ساده تری از اعتراض و نافرمانی توده ای است که هزینه دولت مردم فریب و دستگاه کودتاجی ولایی را بشدت بالا ببرد، و توانایی تمرکز ماشین کشتار و آدمکشی آن را کاهش دهد و در عوض هزینه چندانیت نصبی مردم نپردازد. ما نمونه هایی از این نوع مقابله را از زمان انقلاب به خاطر داریم و فراموش نکرده ایم که چگونه درست در سر بزنگاهها "ناگهان" برق قطع می شد و یا چگونه اعتصابات متعدد اراده دستگاه سرکوب را فلج کرده بود. حمله اینترنتی به دستگاههای تبلیغاتی دروغ پرداز کودتاچیان در روزهای اخیر و از کار انداختن خبرگزاری رسوای فارس و خیرگزاری ایرنا نیز یک نمونه جدید است یا مثلا ایجاد راهبندان مصنوعی از سوی ماشین ها برای مختل کردن عبور و مرور نیروهای انتظامی و امنیتی که پیش از این در اعتراضات مردمی تجربه شده است.

در مجموع اگر این امر پذیرفته شود که با وجود اهمیت حیاتی اعتراضات و اجتماعات بزرگ توده ای و استمرار آنها، و اصلا به قصد افزایش حضور در همین اجتماعات بزرگ، دوره ای از مبارزه پر تب و تاب با استبداد حاکم در پیش روست که شکل ها و سطوح مختلف اعتراضی با درجات متفاوتی از شتاب آن ها و دامنه تأثیرات شان از شروط بدیهی گسترش و زرفش اعتراضات است، در این صورت تردیدی نیست که خلاقیت مردم دیر یا زود شکل های بدیعی از مقاومت و نافرمانی مدنی را برای به زانو درآوردن استبداد حاکم عرضه خواهد داشت.

در هر حال آن چه مهم و حیاتی است و نقش عظیمی در تقویت جنبش عمومی اعتراضی ایفا می کند، ترکیب اعتراضات بزرگ توده ای با مجموعه ای وسیع از نبردهای کم شتاب موضعی و همچنین آن نوع مقاومت مدنی است که انجام طولانی مدت آن از عهده میلیونها نفر برآید و هزینه تحمل ناپذیری متوجه آنها نپردازد.

۳۱ خرداد ۱۳۸۸

تشییع جنازه ۹ نفر از ۹۴ نفر زخمی که در بیمارستانی واقع در شهر آراء جان باختند.

بیمارستان حضرت محمد واقع در شهر آراء، ۹ نفر از کشته شدگان دیروز، همین الان در حال تشییع جنازه هستند. راهپیمایی پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان رسول اکرم خیابان نیایش ستارخان به سوی میدان توحید در اعتراض به کشتار دیشب تهران. به گفته یکی از پرستاران دیشب حدود ۳۵ مجروح را به این بیمارستان رسانده اند که ۸ تن از آنان تا امروز صبح کشته شده اند. این راهپیمایی هم اکنون در جریان است براساس خبر منابع معتبر از بیمارستان حضرت رسول (ص) واقع در ستارخان، دیشب (دوشنبه شب) جمعا ۹۴ مجروح به بیمارستان منتقل شده که از این تعداد ۵۰ نفر تیرخورده بودند و ۹ نفر کشته شده اند.

عفو بین الملل : سخنرانی خامنه ای به خشونت پلیس مشروعیت می دهد ایران: سخنرانی خامنه ای به خشونت پلیس مشروعیت می دهد.

عفو بین الملل امروز اعلام کرد: سخنرانی امروز صبح خامنه ای نشان می دهد که در صورت تداوم اعتراض های مردم، مقامات آماده اند دست به سرکوب خشونت بار بزنند و این می تواند به تلفات گسترده منجر شود. حبیبیا حاجی صحراوی، معاون برنامه خاورمیانه و آفریقای شمالی، گفت: ما به شدت از اظهارات آیت الله خامنه ای نگران هستیم، چون به نظر می رسد این اظهارات چراغ سبزی به نیروهای امنیتی است تا با تظاهراتکنندگانی که از حق خود برای تظاهرات و بیان نظریاتشان استفاده می کنند، با خشونت برخورد کنند. نگرانی ما از این است که اگر تعداد زیادی از مردم برای اعتراض در یکی دو روز آینده به خیابانها بیایند، ممکن است با دستگیری های خودسرانه و استفاده مفرط از زور روبرو شوند؛ هم چنان که در روزهای اخیر همین اتفاق افتاده است، به ویژه این که برای تظاهرات در تهران در روز ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) اجازه داده نشده است.

علی خامنه ای در سخنرانی در نماز جمعه تهران که از تلویزیون پخش شد، خواستار پایان دادن به اعتراض های خیابانی بر ضد نتیجه انتخابات شد. او به جای این که به نیروهای امنیتی، از جمله نیروی داوطلب بسیج، هشدار بدهد که با خویشتن داری و طبق قانون عمل کنند، گفت که اگر مردم به حضور در خیابان ها ادامه بدهند، عواقب آن به عهده خودشان خواهد بود.

حبیبیا حاجی صحراوی گفت: این که رهبر یک کشور مسئولیت امنیت را به جای نیروهای امنیتی به عهده تظاهرکنندگان مسالمت جو بگذارد، نادیده گرفتن فاحش و عمدی وظیفه و مجوزی برای خشونت و تعدی است.

تجمع مسالمت آمیز در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که دولت ایران عضو آن است، به صراحت مجاز شمرده شده است. مسئولان اجرای قانون باید تنها در صورتی از زور استفاده کنند که کاملا ضروری باشد و فقط به میزانی که برای اجرای وظیفه شان لازم است. آنها نباید از سلاح گرم استفاده کنند مگر در صورتی که کاملا اجتناب ناپذیر و به منظور محافظت از زندگی انسان ها باشد. مجریان قانون باید خویشتن داری نشان دهند، خسارت یا جراحات را به حداقل برسانند و به زندگی انسان ها احترام بگذارند و از آن محافظت نمایند.

سند عمومی

برای اطلاعات بیشتر با دفتر مطبوعاتی عفو بین الملل در لندن، انگلستان، تماس بگیرید:
تلفن: ۰۰۴۴ ۲۰ ۷۴۱۳ ۶۶۵۵

press@amnesty.org email
International, 1 Easton St., London International Secretariat, Amnesty
WC1X 0DW, UK www.amnesty.org
Mav_media_workers mailing list
Mav_media_workers@lists.amnesty.org
https://lists.amnesty.org/cgi-bin/mailman/listinfo/mav_media_workers
۳۱ خرداد ۱۳۸۸

برخی از خبرهای رسیده از ایران! تظاهرات شبانه همراه با درگیری و تیراندازی در تهران ادامه دارد.

*رویتر: تظاهرات به جنوب تهران و مناطقی چون سه راه آذری، میدان راه آهن و رباط کریم سرایت کرده است
خبرگزاری آلمان: به گزارش خبرگزاری های آلمان و رویترز، تظاهرات مردم با حضور چشمگیر نیروهای انتظامی و شخصی پوش، در ساعت ده و نیم امشب (۳۱ خرداد) همچنان در نقاط مختلف شهر ادامه دارد. شعارهای الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور نیز شنیده می شود.
گزارش های تایید نشده دیگر از سرایت تظاهرات به جنوب تهران حکایت دارند.

خبرگزاری آلمان، ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه به وقت اروپای مرکزی (۱۰ و ۱۵ دقیقه به وقت تهران) خبر داد که در بسیاری از نقاط پایتخت تظاهرات با شعار الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور ادامه دارد. ۱۵ دقیقه پس از آن، خبرگزاری رویترز از شنیده شدن صدای تیراندازی در زعفرانیه و نیاوران خبر داد. مردم در مناطق شمالی تهران نیز شعار الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور سر می دهند.
تعداد زیادی از شاهدان عینی، در تماس با شبکه های خبری غرب ادعا کردند که تظاهرات امروز به مناطق جنوب شهر مثل سه راه آذری، میدان راه آهن و رباط کریم نیز سرایت کرده است.
گفته می شود که تظاهرات اعتراضی در شیراز و چند شهر دیگر نیز ادامه دارد. ۳۱ خرداد ۱۳۸۸

یک تیم از دادستانی و وزارت ارشاد در چاپخانه های روزنامه ها مستقر شده اند و اقدام به سانسور روزنامه ها میکنند.

در سطح شهر تهران گارد ضد شورش و بسیج و لباس شخصی ها مستقر هستند و به خصوص در انقلاب و آزادی قدم به قدم گارد ضد شورش مستقر شده است.

مردمی که با روشن کردن شمع در میدان هفت تیر تجمع کرده بودند از سوی گارد و سزّه مورد حمله قرار گرفتند نیروهای نظامی در صدد متفرق کردن آنان هستند.

بنابر اطلاع نیروهای انتظامی رژیم؛ تعداد ۴۵۷ نفر در درگیری های دیروز دستگیر شده اند.

نیروی انتظامی طی اطلاعیه ای اعلام کرد
در پی نادیده گرفتن هشدارهای ارائه شده از سوی مسئولان کشوری و فرماندهان نیروی انتظامی، روز گذشته ۴۵۷ نفر از کسانی که اقدام به ایجاد ناآمنی، درگیری مستقیم با پلیس و بر هم زدن نظم عمومی کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند.
در این اطلاعیه آمده است: این افراد با بر هم زدن نظم و امنیت عمومی فضای جامعه نسبت به تخریب اموال عمومی، ایجاد مزاحمت برای مردم، آتش زدن خودروها و موتورسیکلت های مردم، شکستن شیشه های بانک ها و مغازه ها اقدام کردند که پیدایش این امر باعث شد تا مردم نیز در حمایت از پلیس و مقابله با آشوبگران وارد عمل شوند.

در مورد دستگیری های برنامه ریزی شده در داخل کشور.

آخرین دستگیری ها در روز شنبه، نشان از برنامه ریزی قبلی و فهرست بلندبالایی دارد که طراحان کودتا از مدت ها قبل و بر اساس میزان تأثیرگذاری اشخاص بر اذهان عمومی تهیه شده و افراد به سرعت دستگیر می شوند. در واقع هر کسی که به نحوی می توانست خبری از تحولات داخلی کشور به بیرون برساند و یا اخبار یا مطالبی را در رسانه مجازی و وبلاگ خود منتشر نماید، دستگیر یا ریوده شده و برخی دیگر از نیروهای موثر که تا به حال دستگیر نشده اند؛ یا در مکان دیگری غیر از محل سکونت خود «مخفی» شده اند.



بیانیه اعتراضی حدود ۲۵۰ نفر از فعالان جنبش زنان نسبت به اتفاقات اخیر: به سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید

خبرنامه امیرکبیر

بیانیه زیر را فعالان جنبش زنان با توجه به محدودیت های ارتباطی کنونی امضا کرده اند ممکن است بسیاری هنوز این بیانیه را ندیده باشند. پیش از بازداشت ژیل بنی یعقوب و همسرش بهمن امویی آنها جزو امضا کنندگان این بیانیه بودند و اکنون خود نیز به جمع بازداشت شدگان پیوستند.

به سرکوب زنان و مردان ایران پایان دهید
کلیه بازداشت شدگان را آزاد کنید

انتخابات غیر دموکراتیک دهمین دوره ریاست جمهوری گرچه از پراگمات ترین انتخابات این دوره برای ایجاد تغییر مسالمت جویانه بود، آنچه در پی آن آمد اعتراض همگانی را برانگیخت.

طیف وسیعی از فعالان جنبش زنان، در کمپین ها و گرایشات مختلف، در کنار فعالان دانشجویی، کارگری، مدنی و سیاسی، قومیتی، روزنامه نگاران، و در انتخابات شرکت کردند تا به دولت تبعیض نگر نه بگویند، و خواهان رفع تبعیض های جنسیتی علیه زنان شوند.

امید به تغییر وضعیت، میلیون ها زن و مرد را به پای صندوق های رای کشاند، اما نتیجه شمارش آرا این امید را به یاس بدل کرد و اعتراض گسترده ی مردمی را برانگیخت. اعتراضی که پاسخ حاکمیت به آن خشونت عریان، ضرب و شتم و مجروح کردن و کشتن شهروندان عادی، بازداشت فعالان و وکلای حقوق بشر، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه نگاران، فعالان دانشجویی و قومیتی و بود.

دامنه خشونت های خیابانی توسط نیروهای سرکوبگر، اعم از آمر و عامل، بار دیگر دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی را به خاک و خون کشید تا خاطره تلخ ۱۸ تیر کوی دانشگاه در ذهن خسته از خشونت ایرانیان انعکاسی پایان ناپذیر یابد. خبر ها حاکی از آن است که تعداد قابل توجهی از دانشجویان دختر و پسر در شهرهای مختلف ایران کشته، مجروح، بازداشت و یا مفقود الاثر شده اند.

قطع همه مسیرهای تلفنی و اینترنتی در کنار موارد بالا، دسترسی نسبتاً آزاد به اطلاعات و ارتباطات را به حداقل رسانده و باعث افزایش تشویش اذهان عمومی شده است. حاکمیت با در دست داشتن مهم ترین رسانه ها، به ویژه صدا و سیما، منتقدان و معترضان به اقدامات قهری و تمامیت خواهانه خود را اغتشاش طلب و اراذل و اوباش می خواند و خشم مردم را دامن می زند. در عین حال، همچنان با نادیده گرفتن حقوق مردم بیشترین خشونت را به انواع مختلف به آن ها اعمال می کند.

ما، جمعی از فعالان جنبش زنان، ضمن محکوم کردن تمامی اقدامات خشونت بار و تحقیر آمیزی که در این سال ها علیه زنان و مردان ایران و در جهت سرکوب آن ها صورت گرفته است و می گیرد، با تأکید بر تداوم تلاش برای احقاق خواسته های جنبش زنان که نقش مهمی در این سال ها در افزایش آگاهی و مبارزات مدنی داشته است، همبستگی خود را با معترضان به نتایج انتخابات اعلام می داریم، و خواستار آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان چند روزه اخیر، و تامین و تضمین آزادی های مدنی و سیاسی در ایران هستیم. بیست و نه خرداد ۱۳۸۸

نقش صدا و سیما جمهوری اسلامی در حاشیه سرکوب های اخیر!

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، هیچ اخبار موثقی از جریانات اخیر منعکس نمی کند و از آغاز اعتراضات، فقط آثار آتش سوزی های اموال عمومی توسط «نیروهای مشکوک» را نمایش می دهد. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همچنین در مصاحبه های اصلاح طلبی مثل «محمد رضا تابش» نماینده اردکان و خواهر زاده آقای خاتمی، به نحوی دستکاری و مونتاز می کنند که به نظر می رسد از دولت احمدی نژاد حمایت کرده است.

گزارشگران بدون مرز: ۳۳ روزنامه نگار زندانی جمهوری اسلامی بزرگ ترین زندان جهان برای روزنامه نگاران

از تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران با ۳۳ روزنامه نگار زندانی بزرگترین زندان روزنامه نگاران در جهان است. از شنبه ۲۳ خرداد ماه تا امروز ۲۲ روزنامه نگار و وب نگار بازداشت شده اند.

شبانگاه ۳۰ خرداد ژیل بنی یعقوب و همسرش بهمن احمدی امویی از سوی مأموران امنیتی در منزلشان بازداشت شدند. مأموران وزارت اطلاعات پس از بازرسی منزل این دو روزنگار را به محل نامعلومی منتقل کردند. برنده جایزه شجاعت در روزنامه نگاری ژیل بنی یعقوب و همسرش بهمن احمدی امویی دو روزنامه نگار مستقل و پرسابقه روزنامه های اصلاح طلب هستند.

روزنامه نگاران و فعالان سیاسی بازداشت شده به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده اند و برای اعتراف تلویزیونی به " سازماندهی انقلاب مخملی " شدیداً زیر فشار شکنجه قرار دارند

سندیکای شرکت واحد: هرگونه سرکوب و تهدید نهاد های مدنی محکوم است.

در روزهای اخیر ما شاهد تلاش و حضور پرشور میلیونها زن، مرد، پیر و جوان، اقلیتهای ملی و مذهبی در ایران هستیم که از دولت میخواهند که پایه ترین حقوق اولیه شان را به رسمیت بشناسد یعنی بر رسمیت شناختن حق انتخاب آزاد، مسفل و بدون تقلب. حقی که در اکثر جوامع دنیا نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذاری نمیشود.

در بطن چنین اوضاعی ما شاهد تهدید، دستگیری، کشتن و سرکوب عریانی هستیم که بیم آن می رود تا بر ابعادش افزوده شود و خون انسانهای بیگناهی ریخته شود که نتیجه آن اعتراضات بیشتر مردم است نه عقب نشینشان.

جامعه ایران با یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی روبرو است، اعتراضات میلیونی که گاه با سکوتی که سرشار از ناگفتنی ها است خود را نمایان کرده و به یک الگو تبدیل شده است و هر روز بر دامنه و ابعادش افزوده می شود، که در این میان عکس العمل هر نهاد و فرد مسنولی را میبلید.

سندیکای کارگران شرکت واحد در اطلاعیه ای که قبل از انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه انتشار یافته بود نوشت که در نبود آزادی احزاب ، بالطبع تشکل ما نیز از نهادهای اجتماعی که حامیش باشد محروم است ، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتویوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد جامعه دانسته و بر آن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارانه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه ، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند.

این موضوع که خواسته های اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران بسیار فراتر از خواسته های صنفی میباشد برهنگان روشن است و ما هم در سالهای گذشته بر آن تأکید کردیم که تا اصل آزادی تشکل و انتخاب بوجود نیاید صحبت از هر نوع آزادی اجتماعی و حقوق صنفی بیشتر شبیه طنز میباشد تا واقعیت.

براساس این واقعیت سندیکای کارگران شرکت واحد خود را در کنار تمامی ایثارگرانی میدانند که برای ساختن نهاد مدنی آزاد و مستقل مبارزه میکنند و هر نوع سرکوب و تهدید را محکوم میکنند.

در راستای به رسمیت شناختن حقوق صنفی و اجتماعی در ایران نهادهای کارگری جهانی پنجم تیرماه روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و نهاد صنفی ایران اعلام شده است، ما از همه میخواهیم که این روز را فراتر از خواسته های صنفی بشمار بیاورند و این روز را تبدیل کنیم به روز حقوق بشر انسانی در ایران و از همقطران خود بخواهیم در این روز در سراسر دنیا برای حقوق پایمال شده اکثر مردم ایران حرکت کنند.

با آرزوی گسترش عدالت و آزادی

سندیکای کارگران شرکت واحد

بیست و هفتم خرداد ۱۳۸۸



به یاد درخشان سعید سلطان‌پور

ایران من

ایران انقلاب های خاموش

مغلوب

خاموش

شیر گرسنه هفته به غوغای آسیا!

سی و یکم خرداد، سلروز اعدام شاعر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان انقلابی تناتر سعید سلطان‌پور است.

حکومت اسلامی در ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ در یک هجوم وحشیانه، به شکل تازه‌ای کشتار فرزندان فداکار و انقلابی مردم ایران را آغاز کرد و سعید سلطان‌پور را همراه ۱۴ تن از دیگر زندانیان سیاسی به قتل رساند. ماموران امنیتی حکومت اسلامی، سعید را در شب جشن ازدواج‌اش دستگیر کردند و هنگام اعدام سلطان‌پور و هزاران اعدامی دیگر، خمینی رهبر، خامنه‌ای رییس جمهور و میرحسین موسوی نخست وزیر بود.

از همین مقطع بود که رژیم شمشیر سرکوب خود را از رو بست و سیاست سرکوب آشکاری را در تمامی جامعه در پیش گرفت که در نتیجه آن، روز به روز شدت پایمالی حقوق مردم و کشتار دگراندیشان، آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان افزوده شد.

سعید سلطان‌پور، یکی از چهره‌های درخشان ادبیات و هنر و مبارزه مردم ایران بود و در دفاع از آزادی و برابری، سال‌های پرباری از زندگی‌اش را در زندان و زیر شکنجه و آزار رژیم شاه گذراند و در حکومت اسلامی نیز به خاطر هنر، خلاقیت ادبی و تأثیرات شگرفی که در فرهنگ پایداری باقی می‌گذاشت بی درنگ دستگیر شد و در زمان کوتاهی پس از آن به قتل رسید.

سعید سلطان‌پور یادآور خاطره شاعران و هنرمندان انقلابی و مبارزی همچون قره‌العین، عارف، فرخی بزدی و عشقی بود و پیوندی بین سنت پایداری گذشته و اکنون جامعه ما به شمار می‌آید. اینک در آستانه خیزش همگانی مردم ایران که سرکوب ارتجاع اسلامی ابعاد عظیمی یافته، یاد سعید سلطان‌پور همچنان زنده و آموزنده است و جنایت حکومت اسلامی در سرکوب و اعدام فرزندان جامعه ما، نشانه سبعت رژیم است که دچار تشنج مرگ شده است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، در راستای نفاع از آزادی اندیشه و بیان، یاد سعید سلطان‌پور و همه انسان‌های آزاده و برابری‌خواه را که در دفاع از حقوق حقه مردم ایران برای یک زندگی بهتر و آزاد جان خود را از دست داده‌اند گرامی می‌دارد و یقین دارد که آزادی اندیشه و بیان را نمی‌توان در بند نگه داشت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
۳۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

از ایران خبر داده اند که مسیرهای ورود به شهر تهران، تحت محاصره نیروهای امنیتی است

وبلاگ مهدا

دبیرکل سازمان معلمان ایران را آزاد کنید

اطلاعیه ی دوم سازمان معلمان ایران
بیش از ۳ روز است که از دستگیری آقای علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران می گذرد .

پلیس امنیت تهران ایشان را در حالی که در مکانی بدون تجمع در حال صحبت با یکی از اعضای سازمان معلمان بوده است احتمالاً با هدف برنامه ریزی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بازداشت کرده است !

مسئولان تصور می کنند با راه انداختن موج دستگیری ها و بازداشت ها و ایجاد فضای رعب و وحشت می توانند از زیر بار پاسخگویی و مسئولیت شانه خالی کنند در حالی که نتیجه مستقیم این اقدامات تثبیت و نهادینه کردن فضای همدلی و همبستگی بیشتر میان مردم است.

عقلانیت و منطق ایجاب می کند مسئولان صدای اعتراض و نارضایتی ها را بشنوند نه آن که بخواهند احتمالاً با راه انداختن جنگ روانی میان مردم اختلاف ایجاد کرده و با مدیریت زمان مردم را نسبت به خواسته ها و مطالباتشان دلسرد و مایوس کنند !

تنها راه برای برون رفت از این وضعیت پذیرش خواست های نامزدها و احترام به نظر و رای مردم است .

" سازمان معلمان ایران " ضمن اعتراض شدید به دستگیری دبیر کل این تشکل و سایر معلمان و فعالان تشکل ها و احزاب و نیز به منظور کاهش فضای التهاب خواهان آزادی همه این دستگیرشدگان است .

" سازمان معلمان ایران " ضمن حمایت مجدد از مواضع آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی و کمیته صیانت از آرا خواهان ابطال این انتخابات و برگزاری یک انتخابات آزاد است.

بیست و هفتم خرداد ۱۳۸۸

سازمان معلمان ایران

برای ندا !

دختر جوان ایرانی که بیگناه کشته شد

بخواب ای خواهر نازم ندایم
ندای پاک تو گردد صدایم

چه می گفתי در آن آخر نگاهت
قسم بر آن نگاه بی گناहत

که رأیت را بگیریم از سیاهی
که همره ما نگریم با تباهی

که همواره به بدخواهان ها بتازیم
که دامن جاودان راهت بسازیم

بخواب ای خواهرم آرام آرام
بخواب ای نو شکفته ای دلارام

شهید راه پاکی ها تو بودی
مبارز با تباهی ها تو بودی

تو که هرگز نبودی خاک و خاشاک
چرا افتاده ای اینگونه در خاک؟

ندایم ای ندای سرزمینم
صدای جاودان این زمینم

صدای تو شود داد دلیران
ندای تو شود فریاد ایران